

## بررسی تطبیقی جایگاه و اهمیت ازدواج و تشکیل خانواده در اسلام و یهود

سهیلا بوجاری / کارشناس ارشد علوم قرآن و حدیث دانشگاه اصفهان

soheilabojari541@gmail.com

اعظم پرچم / دانشیار گروه علوم قرآن و حدیث دانشگاه اصفهان

azamparcham@gmail.com

دریافت: ۱۳۹۲/۷/۱۰ - پذیرش: ۱۳۹۲/۱۱/۲۶

### چکیده

نهاد خانواده به عنوان یکی از اصلی ترین ارکان جامعه بشری، به دلیل نقشی که در سعادت و شقاوت جامعه و کمال انسانی دارد، همواره مورد توجه همه مکاتب الهی و غیرالهی قرار گرفته است. ادیان ابراهیمی اسلام و یهود، برای نظام خانواده تقدس و مقام رفیعی قائل شده و با وجود اختلافاتی که در حدود و شرایط تشکیل آن با یکدیگر دارند، دستورهای مشترکی پیرامون ازدواج و تشکیل خانواده ارائه نموده اند. این پژوهش، درصدد است با رجوع به منابع اصلی دو دین اسلام و یهود - قرآن کریم و روایات معصومان علیهم السلام تورات و تفاسیر معتبر آن، جایگاه و اهمیت خانواده را استخراج نموده و مورد مقایسه قرار دهد.

ازدواج و تشکیل خانواده در اسلام و یهود اهمیت ویژه ای داشته و هر دو دین بر تسریع در امر ازدواج تأکید نموده، عزوبت را مورد نکوهش قرار داده و ارضای نیازهای جنسی را تنها از طریق عقد ازدواج و چارچوب خانواده قابل تأمین می دانند.

کلیدواژه ها: خانواده، قرآن، کتاب مقدس، ازدواج، زوجین.

### مقدمه

خانواده کوچک ترین و در عین حال تأثیرگذارترین واحد تربیتی در جوامع به شمار می رود، به گونه ای که می تواند منشأ تحولات عظیم فردی، اجتماعی و رشد ارزش های انسانی باشد، از این رو، از دیرباز همواره از ابعاد مختلف مورد مطالعه قرار گرفته است. با توجه به اینکه سعادت و شقاوت آدمی از کانون خانواده، به عنوان نخستین واحد اجتماع بشری نشئت می گیرد، همه ادیان آسمانی به این نهاد به عنوان کانونی برای حفظ کرامت انسانی و تأمین سلامت جسمانی، روانی و رشد معنوی او توجه خاصی مبذول داشته اند.

ادیان ابراهیمی اسلام و یهود به خانواده، یکی از اصلی ترین نهادهای اجتماعی و نقش و کارکردی که در سعادت و شقاوت افراد دارد، همواره توجه داشته اند به گونه ای که در آثار مکتوب این ادیان، آیات و فرامین بسیاری در خصوص اهمیت خانواده و جایگاه آن یافت می شود. بی تردید رویکرد کتب مقدس این ادیان، به عنوان اصلی ترین منبع دینی آنها نقش تعیین کننده ای در باورها و تفکرات پیروانشان خواهد داشت.

اسلام خانواده را گروهی متشکل از افراد دارای شخصیت مدنی، حقوقی و معنوی معرفی می کند که هسته اولیه آن را ازدواج مشروع زن و مرد تشکیل می دهد و نکاح عقدی است که براساس آن، رابطه زوجیت بین زن و مرد برقرار شده و در پس آن، طرفین دارای وظایف و حقوق جدید می شوند. ارتباط خویشاوندی در سایه نکاح پدید می آید و اعضای آن دارای روابط قانونی، اخلاقی و عاطفی می گردند (قائمی، ۱۳۶۳، ص ۱۹).

براساس آموزه های آیین یهود، تشکیل خانواده و ازدواج فریضه دینی مهمی محسوب می شود و از جمله وظایفی است که بر عهده مرد یهودی گذاشته شده است. «مردی که برای تشکیل خانواده تلاشی نمی کند، مانند کسی دانسته شده است که خونی ریخته باشد، یا صورت خدا را که همه انسان ها به شکل آن آفریده می شوند، بی ارج بداند و یا باعث شود که حضور خدا از اسرائیل رخت بریندند» (آترمن، ۱۳۸۵، ص ۲۲۵).

این پژوهش، بر آن است تا با بهره گیری از منابع دینی اسلام و یهود، دیدگاه این ادیان را در موضوع جایگاه و اهمیت ازدواج و تشکیل خانواده بررسی نموده و وجوه اشتراک و افتراق آنان را در این زمینه استخراج نماید.

### مفهوم شناسی ازدواج

در تمامی ادیان و مذاهب، ازدواج امری پذیرفته شده است و هریک نوعی از ازدواج را دارا هستند. همان گونه که پیامبر صلی الله علیه و آله در این زمینه فرموده اند: «برای هر قومی نکاحی است» (حرعاملی، ۱۳۶۷، ج ۱۲،

می‌دهد. هر دو آموزش فوق وقتی با مسائل اجرائی مواجه می‌شوند، به سوی نهاد خانواده که راه‌حل میانه‌ای است روی می‌آورند» (بگوینچ، ۱۳۷۴، ص ۲۹۹).

### ازدواج و تشکیل خانواده

#### الف. در اسلام

در اسلام نکاح قراردادی اجتماعی است که مجموعه‌ای از حقوق و تکالیف متقابل را بین زوجین ایجاد می‌کند و مؤید به تأیید الهی است. چنان‌که قرآن کریم می‌فرماید: «وَهُوَ الَّذِي خَلَقَ مِنَ الْمَاءِ بَشَرًا فَجَعَلَهُ نَسَبًا وَصِهْرًا وَكَانَ رَبُّكَ قَدِيرًا (فرقان: ۵۴)؛ و اوست کسی که از آب، بشری آفرید و او را [دارای خویشاوندی] نَسَبی و دامادی قرار داد، و پروردگار تو همواره تواناست. اهمیت ازدواج در اسلام تا جایی است که از آن به‌عنوان «میثاق غلیظ» تعبیر کرده است: «وَ كَيْفَ تَأْخُذُونَهُ وَقَدْ أَفْضَى بَعْضُكُمْ إِلَى بَعْضٍ وَأَخَذْنَ مِنْكُمْ مِيثَاقًا غَلِيظًا (نساء: ۲۱)؛ و چگونه آن [مهر] را می‌ستانید با آنکه از یکدیگر کام گرفته‌اید، و آنان از شما پیمانی استوار گرفته‌اند؟

علاوه بر این در آیات متعددی از قرآن کریم به‌صراحت بر ضرورت تشکیل خانواده تأکید نموده و صمیمانه‌ترین ارتباط‌های بشری را ارتباط زن و مرد دانسته و می‌فرماید: «وَمِنْ آيَاتِهِ أَنْ خَلَقَ لَكُمْ مِنْ أَنْفُسِكُمْ أَزْوَاجًا لِتَسْكُنُوا إِلَيْهَا وَجَعَلَ بَيْنَكُمْ مَوَدَّةً وَرَحْمَةً إِنَّ فِي ذَلِكَ لَآيَاتٍ لِقَوْمٍ يَعْتَبِرُونَ (روم: ۲۱)؛ و از نشانه‌های او اینکه از [نوع] خودتان همسرانی برای شما آفرید تا بدان‌ها آرام گیرید، و میانتان دوستی و رحمت نهاد. آری، در این [نعمت] برای مردمی که می‌اندیشند قطعاً نشانه‌هایی است.

بنابراین، با توجه به آموزه‌های دینی، گرایش به اختیار نمودن همسر در انسان، امری فطری و طبیعی است که از آغاز خلقت انسان با آفرینش آدم و حوا شکل گرفت و این سنت حسنه، در میان فرزندان آدم ﷺ جاری شده و ائمه اطهار ﷺ نیز پیوسته اهمیت آن را گوشزد نموده‌اند.

در شریعت الهی، تشکیل خانواده بدون خواستگاری رسمیت و مقبولیت نیافته و ندارد. همان‌گونه که در ازدواج آدم و حوا نیز به این مسئله توجه شده است. امام صادق ﷺ نقل می‌کنند: «در ازدواج حضرت آدم و حوا، خداوند به آدم فرمود: او را از من خواستگاری کن؛ زیرا او کنیز من است و آدم عرض کرد: پروردگارا من او را از تو خواستگاری می‌کنم» (صدوق، ۱۴۰۵، ج ۳، ص ۲۳۹).

در اصطلاح فقهی از خواستگاری به «خطبه» تعبیر می‌شود و به‌معنای درخواست مرد از زن برای ازدواج است. در اسلام، عمل خواستگاری پیش از مراسم عقد و اجرای صیغه نکاح صورت می‌گیرد که با تعامل زوجین صورت می‌گیرد. حق ازدواج در اسلام با خواست و تراضی طرفین و آزادی کامل زن

ص ۲۲۲)، اما با توجه به اختلافات فرهنگی، هر قوم و جامعه‌ای آداب و سنن ویژه‌ای در این امر دارد. «ازدواج» در لغت به‌معنای «جفت شدن» و «جفت گرفتن» و در اصطلاح علوم، به‌معنای «تنظیم دو به دو ی اشیا» است (دهخدا، ۱۳۳۷، واژه ازدواج). واژه دیگری که بر ازدواج دلالت می‌کند، واژه «نکاح» است که در لغت به معنای تقابل است. نکاح رابطه‌ای است حقوقی-عاطفی که به وسیله عقد بین زن و مرد حاصل می‌گردد و به آنها حق می‌دهد با یکدیگر زندگی و رابطه داشته باشند که مظهر بارز آن حق تمتع جنسی است.

در تعریف اصطلاحی ازدواج آمده است: «قراری است مبتنی بر قانون، شرع، عرف، گفتار یا آئین خاص بین یک زن با یک مرد، برای ایجاد رابطه جنسی و معمولاً اساس خانواده فرزندی را تشکیل می‌دهد» (شایان‌مهر، ۱۳۷۷، ص ۵۹). در تعریف دیگری آمده است: «ازدواج سبب دوام و پایداری نسل است و بقای بشر به آن وصل است. این قانون نظام آفرینش است و بر کل هستی حاکم می‌باشد» (علی‌گودرزی و ملک محمودی، بی‌تا، ص ۲۲).

باید توجه داشت علاوه بر کارکرد تولیدمثل و فرزندزایی، در ازدواج هدف والاتری نهفته است و آن تکامل نقائص وجودی هریک از زوجین است. ازاین‌رو، تعریف ازدواج چنین می‌شود: ازدواج قراردادی رسمی برای پذیرش یک تعهد متقابل، برای زندگی خانوادگی است که آدمی در سایه آن در خط سیر معین و شناخته‌شده‌ای قرار گرفته و با آن کامل می‌شود. نکاح را با توجه به کتب ادیان الهی، می‌توان از زمان خلقت انسان مشاهده کرد. خداوند از زمانی که انسان را خلق کرد، آنها را جفت آفرید و از ترویج آنها نسل انسان باقی ماند. با این حال، «بشر در طول تاریخ در مواجهه با پدیده ازدواج یا راه افراط را پیموده و یا به تفریط کشیده شده است. گروهی بدون توجه به کارکردهای مثبت ازدواج، به سرکوب آن پرداخته و معتقدند: روابط جنسی در هر صورتی منافی کمال انسانی است. بودائیان، راهبان و پدران کلیسا و... از این دسته‌اند. گروهی دیگر عقده‌های روحی بشر را ناشی از سرکوب تمایلات جنسی دانسته و تنها راه سلامت روانی را بازگذاشتن راه ارضای بی‌قید و شرط غریزه جنسی دانسته‌اند. درحالی‌که تشکیل خانواده به‌عنوان راه میانه‌ای هم به نیاز فطری و غریزه جنسی جواب مثبت می‌دهد و هم با هدایت آن در بستری قانونی و ضابطه‌مند، آن را مهار کرده و از این طریق از طغیان آن، که مانع اصلی شکوفایی استعدادهای فطری انسان است، جلوگیری می‌کند» (فروید، ۱۹۳۹م، ص ۷۳). در این‌باره آمده است:

ازدواج که نهادی به قدرت بشریت است نمونه خوبی از تعارض بین اندیشه‌ها و ما بین اندیشه‌ها است. مذهب ناب، تجرد را از بیرون خود طلب می‌کند و ماتریالیسم اصالتاً آزادی جنسی کامل را اجازه

### ب. یهود

تورات حاوی رهنمودهای اندکی در مورد آداب و رسوم ازدواج است و موضوعاتی نظیر همسرایی، نحوه برگزاری مراسم ازدواج و روابط زناشویی در تلمود توضیح داده شده است. از منظر تورات، ازدواج عملی است که با آن، زن و مرد برای یکدیگر تقدیس می‌شوند تا مقدس‌ترین اهداف زندگی را به کمک یکدیگر دنبال نمایند.

در تعریف ازدواج در قاموس کتاب مقدس آمده است: «ازدواج اتحاد مردی است با زن خود، از برای خوبی و سعادت طرفین و بقاء و افزایش نوع و جز به علت زنا افتراقی در میان این دو پدید نشود» (مستره‌اکس، ۱۳۷۷، ص ۶۰۵). در آیین یهود، ازدواج و تشکیل خانواده از احکام مسلم دینی آنان محسوب می‌شود: «زن گرفتن و تشکیل خانواده یکی از احکام دین و اولین فریضه از ۶۱۳ فرامین شریعتی یهودیان بود» (ویل دورانت، ۱۳۴۳، ج ۱۲، ص ۲۶). رضایت طرفین و استقلال رأی در امر ازدواج، از مسائل مورد توجه دین یهود است: «هیچ وصلتی بدون رضایت دو طرف کاملاً قانونی محسوب نمی‌شد. هنگامی که دختر به سن بلوغ می‌رسید در صورت تمایل می‌توانست عقد ازدواج را لغو کند» (همان، ص ۶۳-۶۴). در یهود سن ازدواج دختر دوازده و نیم سالگی و پسر سیزده سالگی است. در نسل‌های پیشین، سن کمتر ترجیح داشته است، اما سن معمول برای ازدواج هجده و حداکثر بیست سال بوده است که نباید از این فراتر رود (کهن، ۱۳۸۲، ص ۱۸۳). در یهود اعتقاد عمومی بر این است که نه تنها عقد ازدواج زن و مرد در آسمان‌ها بسته می‌شود، بلکه پیش از تولد طفل مشخص می‌شود، چه کسی همسر وی خواهد بود: «چه روز پیش از بسته شدن نطفه طفل، یک بت قول (منادی آسمانی) اعلام می‌دارد؛ این پسر با فلان دختر ازدواج خواهد کرد یا دختر همسر فلان پسر خواهد شد» (همان، ص ۱۸۱).

آیین ازدواج در یهود دو مرحله است که ابتدا از هم مجزا بوده و با گذشت زمان به یک مرحله مبدل شده است؛ مرحله نخست، «اروسین» یا «قیدوشن» (Ghiddushin) نام دارد که عبارت است از: پیمان زن و مرد با یکدیگر در آغاز ازدواج. مرحله دوم، «چوپا» (Chupah) یا «قُبّه» (Canopy) است که در واقع نماد ورود عروس به خانه داماد است. اجرای سنتی مراسم ازدواج در زیر یک سایبان (چوپا)، تأکیدی است بر این امر که ازدواج بیشتر ایجاد یک خانه و کاشانه است تا برقراری یک رابطه.

پیش از مراسم ازدواج، سندی تحت عنوان «کتوبه» (Ketubbah) حاوی وظایف مرد در امر ازدواج و نفقه‌ای که مرد در صورت طلاق باید به زن بپردازد، تنظیم می‌شود. ازدواج زن و مرد یهودی بدون

و مرد صورت می‌گیرد که به دنبال آن حقوق و وظایفی برای طرفین و فرزندان که از آنها پدید می‌آیند ایجاد می‌شود. چنان‌که پیامبر اکرم ﷺ هنگام خواستگاری امیرالمؤمنین علیؑ از حضرت فاطمهؑ نظر آن حضرت را در انتخاب همسر جویا شده و به امیرالمؤمنینؑ فرمودند: «تاکنون چند نفر به خواستگاری زهراؑ آمده‌اند و من شخصاً با وی در میان گذاشته‌ام و او چهره‌اش را به علامت نارضایتی برمی‌گرداند. اکنون او با سکوتش رضایت خود را نشان داد» (مطهری، ۱۳۵۹، ص ۶۷).

این امر بیانگر آزادی زن و احترام گذاشتن به رأی وی در انتخاب همسر در اسلام است. از نظر اسلام، سن مناسب ازدواج زمانی است که پسر و دختر احساس کنند، ازدواج برایشان ضروری است و گرنه به گناه می‌افتند. طبق شریعت اسلام، لازم است حداقل دو شاهد در زمان عقد نکاح حضور داشته باشند؛ شوهر هدیه‌ای مرسوم به «مهر»، به نشانه مودت و برای تکمیل عقد ازدواج به عروس بدهد. این هدیه در انحصار زن و حق او بوده و طبق آیه قرآن به‌مثابه عطیه‌ای از جانب خداوند است که شوهر به زن می‌دهد: «وَأَتُوا النِّسَاءَ صَدُقَاتِهِنَّ نِحْلَةً فَإِن طِبْنَ لَكُمْ عَن شَيْءٍ مِّنْهُ نَفْسًا فَكُلُوهُ هَنِيئًا مَّرِيًّا (نساء: ۴)؛ و مهر زنان را به‌عنوان هدیه‌ای از روی طیب خاطر به ایشان بدهید و اگر به میل خودشان چیزی از آن را به شما واگذاشتند، آن را حلال و گوارا بخورید.

از آنجاکه نکاح قراردادی اجتماعی است، هریک از زوجین حقوق شخصی خود را حفظ می‌کنند، زن با حفظ حقوق خود به‌عنوان یک شخص مستقل و نه ملحقه شوهر خود تلقی می‌گردد. بنابراین، مثلاً «زن حتی پس از ازدواج از حق کامل مالکیت و فروش اموال و استفاده از درآمد خود برخوردار است. زن پس از ازدواج، نام خانوادگی خود را حفظ کرده و نام خانوادگی شوهر را اختیار نمی‌کند» (مطهری، ۱۳۵۹، ص ۴۱۸).

در اسلام ازدواج میان دو فردی واقع می‌شود که تلقی یکسانی از زندگی و اخلاق داشته و به‌عنوان خلیفه خدا در این تلاش مشترک برای تحقق سرنوشت خود مشارکت جویند. بنابراین، در اسلام معمولاً مسلمان مجاز به ازدواج با غیرمسلمان نیست. تنها در موارد خاصی و به‌صورت استثنا مرد مسلمان می‌تواند با زن یهودی یا مسیحی ازدواج کند، بر این اساس که مسیحیان و یهودیان به کُتُب مُنزَل معتقدند و بنابراین، تا حدودی تلقی مشترکی از زندگی دارند. درحالی‌که زن مسلمان مجاز به ازدواج با مرد مسیحی یا یهودی نیست، مگر اینکه مرد اسلام را بپذیرد؛ زیرا در اینجا دغدغه شارع آن است که ممکن است زن از حقوق و امتیازاتی که اسلام برای زنان قائل است، برخوردار نگردد.

تنظیم این سند غیرمجاز است و در صورت گم شدن، باید سند جدیدی تنظیم گردد (آنترمن، ۱۳۸۵، ص ۲۲۹). به این ترتیب، زن تعهد می‌کند برای همیشه به شوهر خود تعلق داشته باشد و قوانین طهارت خانواده و سایر موازین شرع را رعایت کند. شوهر هم تعهد می‌کند تا نسبت به همسر خود وفادار بوده، افزون بر داشتن رفتاری مناسب، در برآورده ساختن نیازهای وی از نظر پوشاک، غذا، روابط زناشویی، درمان و... کوتاهی نکند.

### معیارهای انتخاب همسر در اسلام و یهود الف. اسلام

در شریعت اسلام معیارهای مهم و اساسی که هر کدام در شکل‌گیری و پایه‌ریزی یک زندگی موفق نقشی اساسی خواهد داشت، برای انتخاب صحیح همسر، به صورت جدی و با نگرشی عمیق و به دور از جاذبه‌های سطحی مورد توجه قرار گرفته است. این معیارها عبارتند از:

#### ۱. ایمان

ایمان و تقید به ضوابط شریعت، از مهم‌ترین ملاک‌های مورد سفارش اسلام در موضوع انتخاب همسر است. پایبندی به ارزش‌های اسلامی، یکی از عوامل مهم خوشبختی در زندگی زناشویی است؛ زیرا ایمان به‌عنوان یک عامل درونی، افراد را از ارتکاب به اعمال خلاف انسانی باز می‌دارد. افزون بر این، زن و مرد با ایمان از هر جهت برای تربیت فرزندان صالح، شایسته‌ترند. قرآن کریم در اهمیت این مسئله می‌فرماید: «وَلَا تَنْكِحُوا الْمُشْرِكَاتِ حَتَّىٰ يُؤْمِنَ وَ لِأُمَّةٍ مُّؤْمِنَةٍ خَيْرٌ مِّنْ مُّشْرِكَةٍ وَ لَوْ أَعْجَبَتْكُمْ وَ لَا تَنْكِحُوا الْمُشْرِكِينَ حَتَّىٰ يُؤْمِنُوا وَ لَعَبْدٌ مُّؤْمِنٌ خَيْرٌ مِّنْ مُّشْرِكٍ وَ لَوْ أَعْجَبَكُمْ أُولَئِكَ يَدْعُونَ إِلَى النَّارِ وَ اللَّهُ يَدْعُوا إِلَى الْجَنَّةِ وَ الْمَغْفِرَةِ بِإِذْنِهِ وَ يُبَيِّنُ ءآيَاتِهِ لِلنَّاسِ لَعَلَّهُمْ يَتَذَكَّرُونَ» (بقره: ۲۲۱)؛ و با زنان مشرک ازدواج نکنید، تا ایمان بیاورند. قطعاً کنیز باایمان بهتر از زن مشرک است، هر چند [زیبایی] او شما را به شگفت آورد. و به مردان مشرک زن مدهید تا ایمان بیاورند. قطعاً برده باایمان بهتر از مرد آزاد مشرک است، هر چند شما را به شگفت آورد. آنان [شما را] به سوی آتش فرا می‌خوانند، و خدا به فرمان خود، [شما را] به سوی بهشت و آمرزش می‌خواند، و آیات خود را برای مردم روشن می‌گرداند، باشد که متذکر شوند.

امام صادق علیه السلام نیز در این باره می‌فرماید: «هر گاه کسی زنی را برای حسن جمال یا از برای مال بخواهد، از هر دو محروم بماند و اگر برای دین‌داری و صلاح او را بخواهد، حق تعالی مال و جمال را روزی او می‌کند» (حرعاملی، ۱۳۶۷، ج ۱۴، ص ۳۰).

در فرهنگ اسلامی، انتخاب همسر صرفاً با انگیزه‌های اقتصادی و اجتماعی امری مذموم شمرده شده و بی‌شک چنین ازدواجی خطرآفرین می‌باشد؛ زیرا تضمینی برای دوام آن وجود نخواهد داشت.

#### ۲. کفویت

یکی از مهم‌ترین عوامل ازدواج موفق، هم‌شأن بودن زن و مرد است. اسلام بر این امر تأکید نموده و با واژه «کفو» از آن یاد کرده است. کفویت در ابعاد گوناگون اعتقادی، اجتماعی، اقتصادی و... مطرح است که اسلام بیشتر بر مسئله ایمان و اعتقاد تأکید دارد. خداوند در قرآن کریم با تصریح بر موضوع کفویت می‌فرماید: «الْخَبِيثَاتُ لِلْخَبِيثِينَ وَالْخَبِيثُونَ لِلْخَبِيثَاتِ وَالطَّيِّبَاتُ لِلطَّيِّبِينَ وَالطَّيِّبُونَ لِلطَّيِّبَاتِ أُولَئِكَ مُبَرَّءُونَ مِمَّا يَقُولُونَ لَهُمْ مَغْفِرَةٌ وَرِزْقٌ كَرِيمٌ» (نور: ۲۶)؛ زنان پلید برای مردان پلیدند، و مردان پلید برای زنان پلید. و زنان پاک برای مردان پاکند، و مردان پاک برای زنان پاک. اینان از آنچه درباره ایشان می‌گویند برکنارند، برای آنان آمرزش و روزی نیکو خواهد بود.

در سخنان معصومان علیهم السلام کفویت، شامل دو چیز دانسته شده است: یکی عفت ناشی از ایمان و اعتقاد و دیگری تأمین امکانات زندگی. چنان‌که امام صادق علیه السلام می‌فرماید: «الکفو أن يكون عفيفاً و عندَه يسار» (کلینی، ۱۳۱۷، ج ۳، ص ۱۸، ابواب مقدمات نكاح، ح ۴)؛ کفو (هم ردیف در ازدواج) کسی است که عقیف باشد و مالی هم داشته باشد.

اسلام، همسانی نژادی زوجین در ازدواج را ضروری نمی‌داند؛ زیرا اولاً، اسلام به نژاد به‌مثابه عاملی برای شناسایی افراد نگاه می‌کند، نه امتیاز و برتری اقوام بر یکدیگر: «يَا أَيُّهَا النَّاسُ إِنَّا خَلَقْنَاكُمْ مِنْ ذَكَرٍ وَ أَنْثَىٰ وَ جَعَلْنَاكُمْ شُعُوبًا وَ قَبَائِلَ لِتَعَارَفُوا إِنَّ أَكْرَمَكُمْ عِنْدَ اللَّهِ أَتَقْوَمُ إِنَّ اللَّهَ عَلِيمٌ خَبِيرٌ» (حجرات: ۱۳)؛ ای مردم، ما شما را از مرد و زنی آفریدیم، و شما را ملت ملت و قبیله قبیله گردانیدیم تا با یکدیگر شناسایی متقابل حاصل کنید. در حقیقت ارجمندترین شما نزد خدا پرهیزگارترین شماست. بی‌تردید، خداوند دانای آگاه است. ثانیاً، ازدواج اولیای الهی با افرادی از نژادهای دیگر همچون ازدواج امام حسین علیه السلام با شهربانو دختر یزدگرد (طبرسی، ۱۴۰۳، ج ۳، ص ۳۷۸)، دلیل روایی چنین پیوندهایی است.

علاوه بر این، در اسلام همسانی طبقه اجتماعی زوجین از معیارهای اصلی ازدواج به‌شمار نمی‌رود؛ زیرا از یک‌سو، خداوند در قرآن تقوا را ملاک کرامت افراد در نزد خود می‌داند (حجرات: ۱۳)، از سوی دیگر، ازدواج‌های اولیای دین با وجود رفعت علمی و معنوی با کنیزانی که از نازل‌ترین موقعیت اجتماعی برخوردار بودند (طبرسی، ۱۴۰۳، ج ۳، ص ۳۸۸). اینها بیانگر این است که از منظر اسلام همسانی طبقه اجتماعی، عامل بسیار موثری در موقعیت ازدواج به‌شمار نمی‌رود.

### ۳. شرافت و اصالت خانوادگی

خانواده، نخستین محیط اجتماعی است که کودک را تحت سرپرستی و حضانت قرار می‌دهد. از این‌رو، بیش از سایر محیط‌ها، در رشد و تکامل وی تأثیر دارد و پیش از آنکه از اوضاع اجتماعی خارج متأثر گردد، تحت تأثیر خانواده قرار می‌گیرد. از این‌رو، اصالت و شرافت خانوادگی زن و مرد، از اساسی‌ترین ملاک‌های ازدواج، به‌ویژه در جوامع اسلامی است.

با توجه به اینکه خصوصیات اخلاقی و زمینه‌های اعتقادی والدین در نسل آینده مؤثر بوده و خانواده شایسته و سالم، بستر بسیار مناسبی برای پرورش فرزندان صالح است، اسلام به انتخاب همسری عفیف و پاک، که در خانواده‌ای پاک پرورش یافته توصیه می‌کند. چنان‌که پیامبر اکرم ﷺ می‌فرماید: «تَزَوَّجُوا فِي الْحَجْرِ الصَّالِحِ فَإِنَّ الْعَرِيقَ دَسَّاسٌ» (محمدی‌ری شهری، ۱۳۵۱، ص. ۱۹۷، ح. ۷۹۰۹)؛ با خانواده خوب و شایسته وصلت کنید؛ زیرا خون اثر دارد.

همچنین در اهمیت این موضوع می‌فرماید: «تَخَيَّرُوا لِطُفُفِكُمْ فَإِنَّ النِّسَاءَ يَلِدْنَ أَشْبَاهَ إِخْوَانِهِنَّ وَأَخَوَاتِهِنَّ؛» برای نطفه‌های خود گزینش کنید؛ زیرا، زنان بچه‌هایی همانند برادران و خواهران خود به دنیا می‌آورند» (همان، ص. ۱۰۳).

#### ب. یهود

با توجه به اهمیت تشکیل خانواده در یهود، توصیه شده شخص در انتخاب همسر تأمل نموده و از عجله بپرهیزد. علاوه بر این، گفته شده است: «ازدواجی که از روی بی‌احتیاطی صورت بگیرد و مردی که استطاعت ندارد مخارج زوجه خود را تأمین کند و وسایل آسایش او را فراهم آورد، اگر زن بگیرد چنین ازدواجی قبیح شمرده شده است» (کهن، ۱۳۸۲، ص. ۱۸۰).

#### ۱. ایمان

تقید و پایبندی به اصول اعتقادی، یکی از مهم‌ترین معیارهای انتخاب همسر در یهود به‌شمار می‌رود. توجه به اینکه عالی‌ترین آرمان یک یهودی، خداترس بودن فرزندان و متبحر شدن آنها در دانش تورات است، همچنین مخالفت شدید یهودیان سنتی با ازدواج یهودی با غیریهودی، با این تفکر که یک همسر غیریهودی، هرچند از هر لحاظ مناسب باشد نمی‌تواند به یک فرزند یهودی کمک کند تا نقش خود را که زنده نگه داشتن میراث یهودیت است ایفا کند، حاکی از این است که توجه به اصل ایمان از مهم‌ترین معیارهای همسرگزینی در یهود می‌باشد. علاوه بر این، مذمت ازدواج با زنی به خاطر ثروت

وی، بیانگر این مطلب است. «کسی که به‌خاطر ثروت یک زن با او ازدواج کند، دارای فرزندی ناشایست و ناخلف خواهد شد» (همان، ص. ۱۸۰).

#### ۲. کفویت

یکی از اولین و مهم‌ترین شرایط ازدواج، همسانی زن و مرد در برخی مسائل است. کفویت زن و مرد در ازدواج شامل حوزه‌های گوناگونی همچون مسائل اعتقادی، اجتماعی، سیاسی، اقتصادی و... می‌شود که درجه برتری و اولویت هریک از آنها متفاوت بوده و برخی از اهمیت بسزایی نسبت به دیگری برخوردار هستند. با وجود اینکه کفویت زن و مرد در ایمان از مهم‌ترین مظاهر کفویت در یهود به‌شمار می‌رود، هم‌سانی نژادی نیز در ازدواج ضروری است.

در اهمیت هم‌سانی نژادی کتاب مقدس آمده است: «حضرت ابراهیم ﷺ به ناظر خود که رئیس نوکرانش بود گفت: دستت را زیر ران من بگذار و به خداوند خدای آسمان و زمین قسم بخور که نگذاری پسر من با یکی از دختران کنعانی ازدواج کند. به زادگاهم نزد خویشانم برو و در آنجا برای اسحاق همسری انتخاب کن» (سفر پیدایش، ۲۴: ۳-۲).

توجه به طبقه اجتماعی همسر نیز از توصیه‌های دین یهود هنگام ازدواج است: «یک درجه پایین بیا و آن وقت زن بگیر (مقام همسرت از مقام خودت پایین‌تر باشد)؛ زیرا که ازدواج با زنی که مقام اجتماعی بالاتری دارد، سبب خواهد شد که زن و بستگانش با نظر تحقیر به شوهر بنگرند» (کهن، ۱۳۸۲، ص. ۱۸۲).

### ۳. شرافت و اصالت خانوادگی

توجه به اصالت خانوادگی و عفت و پاکی زوجین، از دیگر معیارهای انتخاب همسر در دین یهود است که کتاب مقدس بر اهمیت آن تأکید نموده است. در خواستگاری شکیم‌بن حموراز دینه دختر یعقوب ﷺ توجه به اصالت خانوادگی در امر ازدواج به خوبی مشهود است. برادران دینه با ازدواج وی با حموربن شکیم مخالفت ورزیدند؛ زیرا شکیم، دینه را بی‌عصمت ساخته بود و شایستگی و اصالت خانوادگی را در او نمی‌دیدند. کتاب مقدس در این باره نقل می‌کند: برادران دینه به‌خاطر اینکه شکیم خواهرشان را رسوا کرده بود به نیرنگ به شکیم و پدرش گفتند: ما نمی‌توانیم خواهر خود را به یک ختنه‌نشده بدهیم این مایه رسوایی ما خواهد شد» (سفر پیدایش، ۳۴: ۱۳-۱۴).

علاوه بر این اسحاق ﷺ هنگام انتخاب همسر در توصیف رفته، که وی را برای همسری انتخاب کرده بود، می‌گوید: «آن دختر بسیار نیکومنظر و باکره بود و مردی او را نشناخته بود» (همان، ۲۴: ۱۶).

مطالب فوق بیانگر توجه به پاکدامنی و اصالت خانوادگی به عنوان مهم‌ترین معیارهای همسرگزینی در دین یهود است.

#### ۴. زیبایی و حسن جمال

یکی از معیارهای اصلی انتخاب همسر در یهود نیکویی جمال است که شواهد و قرائن آن در اسفار خمسه و صحیفه‌های کتب انبیاء، موجود در کتاب مقدس یافت می‌شود. در سفر پیدایش حضرت اسحاق علیه السلام درباره انتخاب رفقه دختر بتوئیل از زیبایی وی به عنوان شاخصه برجسته او یاد می‌کند. «آن دختر بسیار نیکو منظر و باکره بود و مردی او را نشناخته بود» (همان، ۳۴: ۱۶).

چنان‌که مشاهده می‌شود، در این سخن علاوه بر اشاره به حسن جمال بر باکره بودن و عدم شناخت رفقه توسط مردان تأکید شده که این حاکی از توجه بزرگان دینی به ارزش‌های اخلاقی در انتخاب همسر است. همچنین درباره انتخاب همسر توسط یعقوب علیه السلام کتاب مقدس نقل می‌کند: لابان را دو دختر بود که نام بزرگتر لیه و اسم کوچکتر راحیل بود چشمان لیه ضعیف بود، اما راحیل خوب صورت و خوش منظر بود و یعقوب عاشق راحیل بود و گفت: برای دختر کوچکت راحیل هفت سال تو را خدمت می‌کنم» (همان، ۲۹: ۱۶-۱۷).

#### جایگاه و اهمیت خانواده در اسلام و یهود

خانواده یکی از نظام‌های اولیه جوامع بشری است که با وجود تحولات فراوان در اهداف و کارکردهای خود ثابت مانده و مناسب‌ترین نظام برای تأمین نیازهای مادی و روانی بشر است که امنیت و آرامش روانی اعضا، برآورده کردن نیازهای عاطفی افراد، پرورش نسل جدید و اجتماعی کردن فرزندان را فراهم می‌نماید. اسلام و یهود به حیات خانواده و بقای آن توجه و همواره پیروان خود را بر تشکیل آن سفارش نموده‌اند که به تبیین این مهم در ادیان مذکور می‌پردازیم.

#### الف. اسلام

نگرش اسلام به خانواده، برخلاف نگاه تک‌بعدی برخی از مکاتب و دیدگاه‌های غیراسلامی، بسیار عمیق و همه‌جانبه است. نحله‌های غیردینی، خانواده را از زاویه خاصی مورد توجه قرار می‌دهند، غافل از اینکه باید به جوانب گوناگون خانواده، به عنوان یکی از بنیادی‌ترین نهادهای اجتماعی که در تمامی عرصه‌های زندگی بشر حضور دارد، توجه شود. از نظر اسلام، ازدواج عامل تکامل انسان است و در

سایه چنین امری، هریک از زن و مرد به استقلال رسیده و به جایگاه واقعی خود دست می‌یابند و زمینه برای پیدایش ارزش‌هایی چون دستیابی به وحدت، ارزش یافتن زندگی، ارزش یافتن عبادات و... که تاکنون مطرح نبوده است، فراهم می‌شود.

#### جایگاه و اهمیت خانواده در قرآن کریم

قرآن کریم از خانواده تحت عناوین مختلفی یاد می‌کند که عبارتند از:

۱. آیه‌ای از آیات خدا: خانواده (زن و شوهر) در قرآن به عنوان نشانه‌ای از نشانه‌های خداوند و مایه آرامش روحی شمرده شده است: «وَمِنْ آيَاتِهِ أَنْ خَلَقَ لَكُمْ مِنْ أَنْفُسِكُمْ أَزْوَاجًا لِتَسْكُنُوا إِلَيْهَا وَجَعَلَ بَيْنَكُمْ مَوَدَّةً وَرَحْمَةً إِنَّ فِي ذَلِكَ لَآيَاتٍ لِقَوْمٍ يَتَفَكَّرُونَ» (روم: ۲۱)؛ و از نشانه‌های او اینکه از [نوع] خودتان همسرانی برای شما آفرید تا بدانها آرام گیرید، و میانتان دوستی و رحمت نهاد. آری، در این [نعمت] برای مردمی که می‌اندیشند قطعاً نشانه‌هایی است.

۲. پیوند محکم: براساس دیدگاه اسلامی، آفرینش زن و مرد از یک خمیرمایه است و در بین آنها همبستگی و پیوندی وجود دارد که در سایه ازدواج این همبستگی به صورت میثاقی غلیظ (پیمان محکم) در می‌آید: «وَ كَيْفَ تَأْخُذُونَهُ وَقَدْ أَفْضَى بَعْضُكُمْ إِلَى بَعْضٍ وَأَخَذْنَ مِنْكُمْ مِيثَاقًا غَلِيظًا» (نساء: ۲۱)؛ و چگونه آن [مهر] را می‌ستانید با آنکه از یکدیگر کام گرفته‌اید، و آنان از شما پیمانی استوار گرفته‌اند؟

۴. نجات از فقر و برخورداری از فضل خداوند: برخی افراد از ترس فقر، تن به ازدواج نمی‌دهند و گمان می‌کنند فقر و ناداری موجب ناکامی آنها در زندگی می‌شود. درحالی‌که خداوند در قرآن می‌فرماید: ازدواج کنید و اگر فقیر باشید، خداوند شما را از فضل خود بی‌نیاز می‌سازد: «وَأَنْكِحُوا الْأَيَامَى مِنْكُمْ وَالصَّالِحِينَ مِنْ عِبَادِكُمْ وَإِمَائِكُمْ إِنَّ يَكُونُوا فُقَرَاءَ يُعْزِمُهُمُ اللَّهُ مِنْ فَضْلِهِ وَاللَّهُ وَاسِعٌ عَلِيمٌ» (نور: ۳۲)؛ بی‌همسران خود، و غلامان و کنیزان درست‌کارتان را همسر دهید. اگر تنگ‌دستند، خداوند آنان را از فضل خویش بی‌نیاز خواهد کرد، و خدا گشایشگر داناست (نور: ۳۲).

۵. لباس یکدیگر: در سوره بقره از زن و مرد به عنوان لباس یکدیگر یاد شده است: «أَجَلٌ لَكُمْ لَيْلَةَ الصِّيَامِ الرَّفَثُ إِلَى نِسَائِكُمْ هُنَّ لِبَاسٌ لَكُمْ وَأَنْتُمْ لِبَاسٌ لَهُنَّ...» (بقره: ۱۸۷)؛ در شب‌های روزه، همخوابگی با زنانتان بر شما حلال گردیده است. آنان برای شما لباسی هستند و شما برای آنان لباسی هستید.

عَلَمَه طباطبائی، این آیه را استعاره‌ای لطیف دانسته، می‌فرماید:

ظاهر کلمه لباس همان معنای معروفش می‌باشد، یعنی جامه‌ای که بدن آدمی را می‌پوشاند و این دو جمله از قبیل استعاره است، برای اینکه هریک از زن و شوهر طرف دیگر خود را از رفتن به دنبال فسق و فجور

و اشاعه دادن آن در بین افراد جلوگیری می‌کند، پس در حقیقت مرد لباس و ساتر زن است، و زن ساتر مرد است (طباطبائی، ۱۴۱۷ق، ج ۲، ص ۶۵).

۶. عامل تکثیر نسل: یکی از مهم‌ترین کارکردهای خانواده، ایجاد و گسترش نسل است. قرآن کریم در این باره فرموده است: «فَاطِرُ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ جَعَلَ لَكُمْ مِنْ أَنْفُسِكُمْ أَزْوَاجًا وَمِنَ الْأَنْعَامِ أَزْوَاجًا يَذُرُّكُمْ فِيهِ لَيْسَ كَمِثْلِهِ شَيْءٌ وَهُوَ السَّمِيعُ الْبَصِيرُ» (سوری: ۱۱)؛ پدیدآورنده آسمان‌ها و زمین است. از خودتان برای شما جفت‌هایی قرار داد، و از دام‌ها [نیز] نر و ماده [قرار داد]. بدین‌وسیله شما را بسیار می‌گرداند. چیزی مانند او نیست و اوست شنوای بینا.

۷. دژی در مقابل زندگی سراسر فسق و فجور: «... فَانكِحُوهُنَّ بِأَذْنِ أَهْلِهِنَّ وَءَاتُوهُنَّ أَجُورَهُنَّ بِالْمَعْرُوفِ مَحْصَنَاتٍ غَيْرِ مُسَافِحَاتٍ وَلَا مُتَّخِذَاتِ أَخْدَانٍ» (نساء: ۲۵)؛... پس آنان را با اجازه خانواده‌شان به همسری [خود] درآوردید و مهرشان را به طور پسندیده به آنان بدهید [به شرط آنکه] پاکدامن باشند نه زناکار، و دوست‌گیران پنهانی نباشند.

۸. سنت پیامبران الهی: خداوند متعال تشکیل خانواده را از سنت پیامبران آسمانی دانسته و فرموده است: «وَلَقَدْ أَرْسَلْنَا رُسُلًا مِنْ قَبْلِكَ وَجَعَلْنَا لَهُمْ أَزْوَاجًا وَذُرِّيَّةً» (رعد: ۳۸)؛ قطعاً پیش از تو [نیز] رسولانی فرستادیم، و برای آنان زنان و فرزندان قرار دادیم. و هیچ پیامبری را نرسد که جز به اذن خدا معجزه‌ای بیاورد. برای هر زمانی کتابی است.

## جایگاه و اهمیت خانواده در روایات

پیشوایان دینی ضمن بزرگداشت مقام خانواده و تأکید بر تشکیل آن، در سخنان خود در اهمیت این بنای مقدس از تعابیر گوناگونی استفاده کرده‌اند که عبارتند از:

۱. محبوب‌ترین بنا نزد خداوند: پیامبر اکرم ﷺ فرموده است: «هیچ بنایی در اسلام نزد خداوند دوست‌داشتنی‌تر و عزیزتر از ازدواج نیست» (نوری، ۱۴۰۸ق، ج ۲، ص ۵۳۱).

۲. محبوب خداوند: پیامبر اکرم ﷺ می‌فرماید: «خداوند خانه‌ای را که در آن عروسی است دوست می‌دارد، و خانه‌ای را که در آن طلاق صورت می‌گیرد، دشمن می‌دارد» (کلینی، ۱۴۰۳، ج ۶، ص ۵۴).

۳. بالاترین نعمت پس از اسلام: «هیچ فایده‌ای پس از نعمت اسلام برتر و مفیدتر از این برای مرد مسلمان نیست که او همسری داشته باشد که هر وقت به او نگاه کند مسرور و شاداب گردد و هنگامی که به او دستور بدهد اطاعت نماید، و هر وقتی که از نزدش برود حافظ جان خود و مال همسرش باشد» (حر عاملی، ۱۳۳۷، ج ۳، ص ۳۸۹).

۴. کامل‌کننده دین: رسول خدا ﷺ فرموده‌اند: «هر کس ازدواج کند نیمی از دینش را باز یافته است نسبت به نیم دیگر تقوای الهی را رعایت کند» (مجلسی، ۱۴۰۴ق، ج ۱۰۳، ص ۲۱۹).

۵. گشاینده درهای رحمت الهی: پیامبر اکرم ﷺ فرمودند: «درهای رحمت الهی در چهار مورد گشوده می‌شود، هنگام آمدن باران، آن‌گاه که فرزند به‌صورت پدر و مادر خود نگاه کند، بازگشایی درب خانه خدا و هنگام ازدواج» (همان، ج ۱۰۰، ص ۲۲۱).

۶. عامل ارزش یافتن عبادات: نظام خانواده از چنان جایگاهی در اسلام برخوردار است که حتی بر ارزش عبادت و بندگی تأثیر می‌گذارد. در این زمینه وارد شده است: دو رکعت نماز کسی که تشکیل خانواده داده برتر از عبادت فرد مجردی است که شب و روز نماز بخواند. چنانکه امام صادق ﷺ فرموده است: «الرَّكْعَتَانِ يَصَلِّيَهُمَا رَجُلٌ مَتَزَوِّجٌ أَفْضَلُ مِنْ رَجُلٍ اعْرَبَ يَقُومُ لَيْلَهُ وَيَصُومُ نَهَارَهُ» (کلینی، ۱۳۶۷، ج ۵، ص ۳۲۹).

## ب. یهود

براساس آموزه‌های یهودی، تشکیل خانواده و ازدواج یک فریضه دینی مهم محسوب می‌شود، تا جایی که در اهمیت فریضه ازدواج در یهود گفته شده: «انسان مجاز است یک سفر تورات را بفروشد و با پول آن هزینه ازدواج خود را فراهم سازد، همان‌طوری که انسان مجاز است برای تحصیل تورات (علم و دانش) نیز به فروش تورات مبادرت کند» (کهن، ۱۳۸۲، ص ۱۸۰).

در دین یهود بر تسریع در ازدواج بسیار تأکید شده است؛ زیرا عقیده بر این است که ذات قدوس تا سن بیست سالگی انسان انتظار ازدواج او را می‌کشد «تا سن بیست سالگی انسان، ذات قدوس متبارک انتظار می‌کشد که او ازدواج کند. وقتی که سن او از بیست گذشت و ازدواج نکرد، خداوند او را نفرین می‌کند و می‌گوید: استخوان‌هایش باد کند» (همان).

همچنین ازدواج مردی که استطاعت ندارد، مخارج همسر خود و وسیله آسایش او را تأمین کند، مذموم شمرده شده است.

اهمیت ازدواج و تشکیل خانواده را در آیات زیر از کتاب مقدس می‌توان مشاهده نمود:

آیا در اینجا کسی هست که به تازگی خانه‌ای ساخته، ولی هنوز از آن استفاده نکرده باشد اگر هست به خانه برگردد چون ممکن است در این جنگ کشته شود و کس دیگری از آن استفاده کند (سفر تثبیه، ۲۰: ۵) آیا کسی هست به تازگی تاکستانی غرس کرده ولی هنوز میوه‌ای از آن نخورده باشد اگر هست به خانه بازگردد، چون ممکن است در این جنگ کشته شود و کس دیگری از میوه آن بخورد (همان، ۲۰: ۶). آیا کسی به تازگی دختری را نامزد کرده است، اگر هست به خانه خود باز گردد و با همسرش ازدواج کند؛ چون ممکن است در این جنگ کشته شود و شخص دیگری زن او را به همسری بگیرد (همان، ۲۰: ۷).

شخص نخست باید خانه‌ای برای خود بسازد، سپس تاکستانی غرس کند و آن‌گاه زن بگیرد (کهن، ۱۳۸۲، ص ۱۸۰). خانواده در یهودیت، کانون فعالیت‌های دینی به‌شمار می‌رود. از این رو، نه تنها به‌عنوان بخش اساسی حیات اجتماعی، بلکه به‌عنوان محیط مقدماتی برای ظهور مناسک دینی مطرح است و تمام جشن‌ها بر محور آن شکل می‌گیرد. به‌عنوان نمونه، عید شبات بر محور وعده‌های غذایی خانواده است. جایگاه خانواده در دین یهود، بسیار حائز اهمیت است و تحت عناوین مختلف از آن یاد شده است که عبارتند از:

۱. از نخستین فرامین الهی به آدم ابوالبشر: در کتاب مقدس ازدواج نخستین فرمانی است که خداوند به آدم ابوالبشر داده است و زمینه‌ساز کمال انسان می‌شود: «او انسان را زن و مرد خلق کرد و ایشان را برکت داده فرمود: «بارور و زیاد شوید، زمین را پر سازید بر آن تسلط یابید بر ماهیان دریا و پرندگان آسمان و همه حیوانات فرمانروایی کنید» (سفر پیدایش، ۱: ۲۸).
۲. کامل‌کننده انسان: در یهودیت، ازدواج به‌معنای کامل شدن و اوج رشد انسانی است. بر پایه تعالیم یهود، زن و مرد بدون همسر انسان‌هایی کامل نیستند و با ازدواج و پیوند زناشویی، از شکل ناقص به وجودی کامل تبدیل می‌شوند: «او انسان را مرد و زن فرموده، آنها را برکت داد و از همان آغاز خلقت نامشان را آدم نهاد» (سفر پیدایش، ۵: ۲).
۳. همسر انسان خانه انسان: «خانه انسان زوجه اوست» و «ربی یوسه گفته است: هرگز زوجه‌ام را «زنم» نامیده‌ام، بلکه همواره او را «خانه‌ام» خوانده‌ام» (کهن، ۱۳۸۲، ص ۱۸۰).
۴. اتحاد و یکی شدن زن و مرد: در یهودیت اعتقاد بر این است که زن و مرد با ازدواج پدر و مادر خود را ترک می‌کنند و با پیوند با همسر خود اتحاد یافته گویا یک وجود مستقل می‌شوند: «بنابراین مرد، پدر و مادر را ترک کرده و به همسرش می‌پیوندد تا یک وجود باشند» (پیدایش، ۲: ۲۴).

### اهداف ازدواج از دیدگاه اسلام و یهود

#### الف. اسلام

در اسلام افزون بر اینکه ازدواج به خودی خود می‌تواند هدف قرار بگیرد و به تعبیری مطلوبیت ذاتی دارد، امری است که برای رسیدن به اهدافی خاص مورد توجه قرار گرفته است. برخی از آنها عبارتند از:

۱. تشکیل خانواده: یکی از اساسی‌ترین اهداف ازدواج، تشکیل خانواده است. این هدف، بیانگر این است که تمام علل و انگیزه‌های ازدواج مانند پاسخ به نیازهای روحی روانی، حفظ نوع بشر و تولید نسل سالم و پاک و... باید در چارچوبی تعریف‌شده و در قالب کانونی به نام خانواده تأمین شود.

خانواده کانون محبت، عاطفه است که با ازدواج پی‌ریزی می‌شود. ازدواجی که به تشکیل این کانون مهر و محبت منتهی نشود، شاید از دیدگاه عرفی و حقوقی یک ازدواج صحیح باشد. اما ازدواجی مطلوب و مورد پسند نیست، هرچند منجر به تولیدمثل و برآوردن برخی نیازها شود. بی‌شک بدون تحقق این هدف، تحقق اهداف دیگر ممکن نیست و یا به‌صورت ناقص فراهم می‌شود. برای مثال، تأمین مودت و محبت تنها از طریق پیمان ازدواج به دست می‌آید.

۲. محبت و مودت نسبت به همسر و فرزندان: اسلام تنها به نیازهای جسمی انسان‌ها توجه ندارد، بلکه به نیازهای روحی، روانی و معنوی آنها نیز توجه دارد. یکی از این نیازها، نیاز به محبت و مهربانی است. اسلام تأمین این نیاز را موکول به ازدواج و تشکیل خانواده می‌کند. تأمین محبت و مهربانی همسران و فرزندان نسبت به یکدیگر تنها در فضای خانواده فراهم می‌شود. «مودت و محبت» نیز از جمله اهداف ازدواج هستند که در قالب روابط خانوادگی قرار می‌گیرند. «وَمِنْ آيَاتِهِ أَنْ خَلَقَ لَكُمْ مِنْ أَنْفُسِكُمْ أَزْوَاجًا لِتَسْكُنُوا إِلَيْهَا وَجَعَلَ بَيْنَكُمْ مَوَدَّةً وَرَحْمَةً إِنَّ فِي ذَلِكَ لآيَاتٍ لِقَوْمٍ يَتَفَكَّرُونَ» (روم: ۲۱)؛ و از نشانه‌های او اینکه از [نوع] خودتان همسرانی برای شما آفرید تا بدانها آرام گیرید، و میانتان دوستی و رحمت نهاد. آری، در این [نعمت] برای مردمی که می‌اندیشند قطعاً نشانه‌هایی است (روم: ۲۱).

۳. آرامش روانی: آدمی در مراحل مختلف حیات خود، به مرحله‌ای می‌رسد که افزون بر نیازهای جسمی و جنسی، خود را نیازمند ارتباط با جنس مخالف می‌بیند. این نیاز به‌گونه‌ای است که حتی با ارضای نیاز جنسی هم برطرف نمی‌شود و آدمی باز هم احساس کمبود ارتباطی با جنس مخالف را دارد. این نیاز، در برخی مواقع، آن‌قدر شدید می‌شود که تمرکز و آرام و قرار را از دل انسان سلب می‌نماید. تنها عاملی که می‌تواند به این بی‌قراری، آرامش بخشد ازدواج است. اسلام از جمله اهداف ازدواج را پاسخ به این نیاز درونی معرفی می‌کند و تأمین آن را از جمله آیات و نشانه‌های خداوند می‌شمارد: «وَمِنْ آيَاتِهِ أَنْ خَلَقَ لَكُمْ مِنْ أَنْفُسِكُمْ أَزْوَاجًا لِتَسْكُنُوا إِلَيْهَا...» (روم: ۲۱)؛ و از نشانه‌های او اینکه از [نوع] خودتان همسرانی برای شما آفرید تا بدانها آرام گیرید.

۴. پاسخ به ندای فطرت: تعالیم اسلامی مطابق با طبیعت بشری است. همه نیازهای جسمی و روانی انسان‌ها را مورد توجه قرار داده است. یکی از این نیازها، نیاز جنسی است که خداوند برای رسیدن به آرامش و بقای نسل بشر در وجود آدمی قرار داده است. در بسیاری از آیات قرآن کریم نکاتی درباره روابط جنسی زن و شوهر بیان شده است. معصومان علیهم‌السلام در مواردی با معادل‌سازی پاداش روابط جنسی با تکالیف دینی چون جهاد و... درصدد ایجاد نگرش مثبت دینی نسبت به این رفتار زن و شوهر بودند.

### ب. یهود

دین یهود ضمن توصیه‌های فراوان پیرامون ازدواج و تشکیل خانواده، اهداف والایی از ایجاد آن منظور داشته است که عبارتند از:

۱. **تشکیل خانواده:** یکی از اصلی‌ترین اهداف ازدواج در یهود تشکیل خانواده است که از فرائض دینی یهودیان نیز به‌شمار می‌رود و چون عالی‌ترین آرمان یک یهودی آن است که فرزندان خداترس و در دانش تورات متبحر باشند. از این رو، اعتقاد به اصل توارث موجب می‌شود یک جوان یهودی شدیداً تمایل داشته باشد با دختر شخصیتی دانشمند ازدواج کند (کهن، ۱۳۸۲، ص ۱۸۲).

۲. **تولید مثل:** یکی از اهداف ازدواج زن و مرد، تولیدمثل است که در متون مقدس هنجارین شده است. خانواده عقیم و بدون فرزند به کمال نمی‌رسد؛ زیرا زنان و مردان با فرزنددار شدن ارزش‌های اخلاقی خود را بسط می‌دهند. پدر و مادر شدن با انعطاف بیشتر، بردباری اجتماعی، دلسوزی و نجابت و آینده‌نگری اقتصادی همراه است. ضمن آنکه این اوصاف به سلامت جامعه نیز کمک می‌رساند. تکثیر نسل سالم، جوامع را نیز قدرتمند و پویا می‌کند. از این رو، ادیبانی مانند دین یهود، می‌کوشند تا این هدف طبیعی، هدف ارزشی زن و مرد از ازدواج قرار گیرد و پاسخی به فرمان الهی مبنی بر تولید و افزایش نسل باشد: «بارور و زیاد شوید، زمین را پر سازید، بر آن تسلط یابید و بر ماهیان دریا، پرندگان آسمان و همه حیوانات فرمانروایی کنید» (سفر پیدایش، ۱: ۲۸) و یا «و اما شما فرزندان زیاد تولید کنید و زمین را پر سازید» (سفر پیدایش، ۹: ۷).

۳. **پرورش نسل پاک:** قوانین الهی برای خوشبختی و سعادت انسان‌ها تدوین شده‌اند تا آنها را به مقامی عالی‌تر از پلیدی‌ها و زشتی‌های حیوانی برسانند و احساس کنند که زندگی زیباست و ارزش زیستن دارد. در راه چنین هدفی، محیط خانواده باید با پاکی قرین باشد، تا مرد و زن بتوانند وظیفه مهم خود؛ یعنی، تولیدمثل و تربیت فرزندان را در راه خداوند و در راه خدمت به هموعان به خوبی به انجام برسانند، چون سعادت کودکان هر خانواده، به پاکی و نیکی افکار و اعمال پدر و مادر بستگی دارد. از این رو، یک از اهداف مهم ازدواج در دین یهود پرورش نسل پاک است (آنترمن، ۱۳۸۵، ص ۲۱۵).

۴. **ارضای نیازهای غریزی:** انسان موجودی اجتماعی است و براساس غرایزی که در وجود او نهاده شده، مایل به برقراری ارتباط با دیگر هموعان خود و در مقیاسی کوچکتر خواستار برقراری پیوندی بسیار نزدیکتر با فردی به نام همسر و داشتن روابط زناشویی است. تورات نیز مانند بسیاری

اسلام با مقرر کردن ازدواج برای انسان‌ها، نه تنها به ازدواج به‌عنوان عملی پست نگاه نمی‌کند، بلکه آن را عملی مقدس و شایسته ثواب تلقی می‌کند و ازدواج را مسیر صحیح پاسخ به نیازهای جنسی معرفی و ترویج می‌کند تا آدمی را از پرتگاه رفتارهای جنسی بی‌ضابطه دور ساخته و بدان نظم و قانون بخشد و از رهگذر قانونمندسازی رفتارهای جنسی، عفت و حیا را به جامعه بشری ارزانی نماید.

۵. **پرورش نسل پاک:** ازدواج تنها راهی است که در پرتو عقدی شرعی، از آن نسلی پاک و سالم تولید شود، لذا این هدف جزء اهداف اساسی ازدواج بیان می‌شود. اسلام برای رسیدن به این هدف، شرایط خاصی را برای ازدواج در نظر می‌گیرد و حتی شرایط تغذیه، حالات روحی و... زوجین را از نظر دور نداشته است و به رعایت برخی امور و اجتناب از برخی عوامل مؤثر دیگر توصیه می‌نماید (حرعاملی، ۱۳۶۷، ج ۱۴، ص ۵۰-۶۸). برای نمونه اسلام از ازدواج با فرد شراب‌خوار و بداخلاق، کم‌خرد و احمق نهی می‌کند (همان، ص ۵۳-۵۹). در برخی از متون اسلامی توصیه شده است که اگر با این افراد ازدواج کردید، از آنها بچه‌دار نشوید (همان، ص ۵۷). این توصیه‌ها بیانگر این است که این شرایط حداقل به منظور تولد نسل سالم و پاک موردنظر اسلام فرارگرفته است.

۶. **تکمیل و تکامل شخصیت آدمی:** ازدواج نوعی تکامل روانی و عاطفی است که شخصیت انسان را کامل می‌کند؛ زیرا هیچ انسانی به‌تنهایی کامل نیست، به همین دلیل پیوسته در جهت جبران نقص و کمبود خویش تلاش می‌کند. با قرار گرفتن فرد در کانون یک زندگی مشترک، در سایه انس و الفت و محبت و روابط نزدیک و صمیمانه، بیشتر احساس مسئولیت می‌کند، استقلال می‌یابد، زندگی خویش را هدف‌دار می‌کند و از آثار کسب و کار و تلاش خود در خانواده نوبنیاد خویش بهره می‌گیرد (قائمی، ۱۳۶۳، ص ۱۱۰).

در زندگی زناشویی، زن و مرد از تشویق‌ها، حمایت‌ها رهنمودهای یکدیگر بهره‌مند گشته و در برخورد با مسائل و مشکلات زندگی از تعاون و همکاری‌های همسر خویش استمداد می‌جویند. اسلام تنها به بیان اهداف مثبت و مورد پذیرش ازدواج نمی‌پردازد، بلکه در کنار بیان اهداف عالی ازدواج، مسلمانان را از ازدواج‌هایی که به منظور کسب مال و ثروت، فخرفروشی، خودنمایی، رسیدن به موقعیت و منزلت اجتماعی و دنیوی و صرفاً ارضای غریزه جنسی انجام می‌پذیرد، سخت نکوهش می‌کند.

به‌طور کلی، اسلام تنها با نظر ایجابی به ازدواج نگاه نمی‌کند و تنها به بیان اهداف ایده‌آل ازدواج اکتفا نمی‌نماید، بلکه از ازدواج به قصد رسیدن به اهداف ناپسند نیز ممانعت می‌کند و به مسلمانان هشدار می‌دهد اگر به منظور اهداف مطرود ازدواج کنید، به آنها نمی‌رسید و اگر هم چنین اهدافی تأمین شوند، سعادت‌آفرین نیستند و موجب گرفتاری خواهند بود.

دیگر از دستوره‌های خود، این خواسته را جهت بخشیده و سعی دارد تا با برنامه‌ریزی اصولی این خواسته را از حالت غریزی و معمولی خارج کرده، به آن تقدس بخشد، تا به این وسیله انسان هم بتواند خواسته‌ها و غرایز خود را ارضا کند و هم به سبب اجرای فرمان خداوند، سزاوار و در خور پاداش باشد (همان، ص ۲۲۰).

۵. **تکامل انسان:** بر پایه تعالیم یهود، ازدواج به معنای کامل شدن و اوج رشد انسانی است و زن و مرد بدون همسر انسان‌هایی کامل نیستند و با ازدواج از شکل ناقص به وجودی کامل تبدیل می‌شوند (اشتاین سالتز، ۱۳۸۳، ص ۲۱۳).

### نتیجه‌گیری

۱. ازدواج و تشکیل خانواده در اسلام و یهود از تقدس و جایگاه رفیعی برخوردار است. در سیره و بزرگان و کتب مقدس هر دو دین، رهنمودهای فراوانی پیرامون ازدواج و تشکیل خانواده وارد شده است.
۲. اسلام و یهود با تأکید بر تسریع در امر ازدواج، عزویت را به شدت نکوهش کرده و ارضای نیازهای جنسی را تنها از طریق عقد ازدواج و چارچوب خانواده قابل تأمین می‌دانند.
۳. در اسلام ترس از فقر و ناداری، نه تنها مانعی برای ازدواج و تشکیل خانواده شمرده نشده، بلکه ازدواج عاملی برای برخورداری از فضایل الهی محسوب می‌شود. در حالی که، در دین یهود ازدواج مردی که استطاعت تأمین رفاه خانواده خود را ندارد، به شدت مذموم شمرده شده است. بنابراین، می‌توان گفت: در دین یهود در امر ازدواج مادیات از امور مورد توجه است.
۴. برگزاری ازدواج در حضور شاهد، از دیگر مشترکات اسلام و یهود در امر ازدواج است که این مسئله حاکی از اهمیتی است که این دو دین برای ازدواج قائل هستند که باید به صورت آشکارا و در حضور دیگران، نه پنهانی برگزار شود.
۵. یکی از اساسی‌ترین مسائل خانواده که اسلام و یهود بر آن اتفاق نظر دارند، همسرگزینی و معیارهای انتخاب همسر است، با این وجه تمایز که اسلام به صورت جدی و با نگرشی عمیق و به دور از جاذبه‌های سطحی به این مسئله می‌نگرد، در حالی که در آیین یهود علی‌رغم تأکیدات فراوان به این موضوع، گاهی با دیده تسامح نگریده شده و محوریت انتخاب همسر به جنس مذکر داده شده و بیشتر بر جمال و نیکویی سیمای زنان به عنوان ملاک اصلی ازدواج تأکید می‌کند. در حالی که اسلام مهم‌ترین معیارهای انتخاب همسر را ایمان و دین‌داری، ارزش‌های اخلاقی دانسته و خصوصیات جسمی و اقتصادی و اجتماعی، در درجه دوم اولویت قرار داشته و یا اساساً معیاری برای انتخاب همسر نمی‌داند.

### منابع

کتاب مقدس، ترجمه تفسیری، شامل عهد عتیق و عهد جدید.

اشتاین سالتز، آدین، ۱۳۸۳، *سیری در تلمود*، ترجمه باقر طالبی دارابی، تهران، مرکز مطالعات و تحقیقات ادیان و مذاهب.

آنرمن، الن، ۱۳۸۵، *باورها و آیین‌های یهودی*، ترجمه رضا فرزین، تهران، مرکز مطالعات و تحقیقات ادیان و مذاهب.

بگوئیچ، عزت‌علی، ۱۳۷۴، *اسلام بین دو دیدگاه شرق و غرب*، ترجمه سیدحسین سیف‌زاده، تهران، وزارت امور خارجه.

حرعاملی، محمدبن حسن، ۱۳۶۷، *وسائل الشیعة*، تصحیح و تحقیق عبدالرحیم ربانی شیرازی، تهران، مکتب‌الاسلامیه.

دهخدا، علی‌اکبر، ۱۳۳۷، *لغت‌نامه*، تهران، دانشگاه تهران.

شایان‌مهر، علی‌رضا، ۱۳۷۷، *دائرة المعارف تطبیقی علوم اجتماعی*، تهران، کیهان.

صدوق، محمدبن علی‌بن حسین بابویه قمی، ۱۴۰۵ق، *ثواب الأعمال و عقاب الأعمال*، قم، دار الرضی.

طباطبائی، سیدمحمدحسین، ۱۴۱۷ق، *المیزان فی تفسیر القرآن*، ترجمه سیدمحمدباقر موسوی‌همدانی، قم، جامعه مدرسین.

طبرسی، احمدبن علی، ۱۴۰۳ق، *الاحتجاج علی اهل اللجاج*، ترجمه نظام‌الدین احمد غفاری مازندرانی، تهران، مرتضوی.

علی‌گودرزی و ملک محمودی، بی‌تا، *راهنمای ازدواج*، تهران، شهاب‌الدین.

فروید، زیگموند، ۱۹۳۹م، *تجزیه و تحلیل روانی جنسی*، ترجم، علی دشتستانی، تهران، کتابخانه مرکزی.

قائمی امیری، علی، ۱۳۶۳، *نظام حیات خانواده*، تهران، انجمن اولیا و مربیان جمهوری اسلامی ایران.

کلینی، محمدبن یعقوب بن اسحاق، ۱۳۶۷، *اصول کافی*، تحقیق علی‌اکبر غفاری، تهران، دارالکتب‌الاسلامیه.

کهن، آبراهام، ۱۳۸۲، *گنجینه‌ای از تلمود*، ترجمه فریدون گرگانی، تهران، اساطیر.

مجلسی، محمدباقر، ۱۴۰۴ق، *بحار الأنوار*، بیروت، مؤسسه الوفاء.

محمدی ری‌شهری، محمد، ۱۳۵۱، *میزان الحکمة*، ترجمه حمیدرضا شیخی، تهران، دارالحدیث.

مستر هاکس، ۱۳۷۷، *قاموس کتاب مقدس*، تهران، اساطیر.

مطهری، مرتضی، ۱۳۵۹، *نظام حقوق زن در اسلام*، تهران، صدرا.

نوری، میرزاحسن، ۱۳۸۲، *مستدرک الوسائل*، تهران، المکتبه‌الاسلامیه.

ویل دورانت، ویلیام جیمز، ۱۳۴۳، *تاریخ تمدن*، ترجم، ابوالقاسم طاهری و احمد آرام، تهران، اقبال.